

## در ستایش فرزاندگی

«دانایی» چطور به «فرزاندگی» بدل می‌شود؟

**دکتر غلامرضا اعوانی**

استاد فلسفه و عضو فرهنگستان علوم

در شرایطی که یک جامعه با بحران‌های اجتماعی یا سیاسی - فرهنگی مواجه می‌شود اغلب این سؤال از فلاسفه پرسیده می‌شود که سهم فلسفه در حل این بحران‌ها و نقش فیلسوفان و حکیمان در گره‌گشایی اوضاع چیست؟

برای رسیدن به جواب این دست از پرسش‌ها ابتدا باید بدانیم که «دانایی» چیست و «فرزانه» کیست؟ و در چه شرایطی «دانایی» به «فرزاندگی» بدل می‌شود؟ و فرزندان یک جامعه چطور می‌توانند در حل بحران‌ها و چالش‌های

یک سرزمین سهیم شوند؟ و پای «فلسفه» و «حکمت» چگونه به این ماجراها باز می‌شود؟

برای گذر از بحران‌های اجتماعی و سیاسی نخست باید آن بحران را بدرستی شناخت. در قدم اول اهمیت بسیار دارد که بدانیم چه عوامل، زمینه‌ها و بستری‌ها، زمینه‌ساز بحران شده است. اینجا است که نقش دانش‌هایی همچون «فلسفه» و «حکمت» که همواره دغدغه شناخت و کشف حقیقت دارند، برجسته می‌شود.

اما فلسفه در اصل «حکمت» است. یعنی فیلسوف در مناسبات فکری و اجتماعی باید کاری مطابق با «حکمت» انجام دهد و حکمت هم مشتمل بر دو بخش «حکمت نظری» و «حکمت عملی» است؛ حکمت نظری در بردارنده

دانش نظری است و حکمت عملی بر اجرایی کردن آن دانش نظری مبتنی است. سهمی که فلسفه و حکمت در گذر از بحران‌ها می‌توانند ایفا کنند، از رهگذر التفات توأمان به هر دو ساحت «حکمت نظری» و «حکمت عملی» قابل تحقق است.

یکی از مشکلات امروز ما، به همین اجرایی کردن دانش نظری برمی‌گردد. چرا که افراد دانای بسیاری داریم اما در بکارگیری این دانایی، در برخی عرصه‌ها ضعف داریم و همین امر باعث می‌شود تا در گذر از برخی بحران‌ها آنگونه که شایسته است کارآمد عمل نکنیم. ناکارآمدترین شیوه در برخورد با بحران‌ها، روش واکنشی است. به همین دلیل نیاز است که سهم «فرزانگان» را در عرصه

تقاضا نیز توازن وجود ندارد و ارتباط نامعادله‌ای شکل گرفته است.

واقعیت این است که کارکرد اصلی عالمان علم سیاست «تولید علم» است، که این مهم را هم انجام می‌دهند شاید مطلوب نباشد

اما بی‌عمل هم نیست. دومین کارکرد آنان، حضور در دستگاه‌های اجرایی است، بدین معنا که علمای سیاست، خود وارد حوزه‌های اجرایی شوند. به اینها «دانشمندان کارگزار» گفته می‌شود که این مهم را هم به انجام می‌رسانند.

سوم، ایفای «نقش اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی، تلاش بر این است که از این ظرفیت، استفاده بیشتری، اگرچه بخش زیادی از این ظرفیت هنوز هم بدون استفاده مانده است.

چهارم، ایفای «نقش روشنفکری» حضور در سپهر و حوزه عمومی اعم از رسانه، مطبوعات و... است؛ به تعبیری، ایفای «نقش آگاهی بخشی»، مرجعیت اجتماعی، انتقال و طرح مطالبات مردم است. اینها از جمله کارکردهای سیاست‌پژوهان است.

به نظرم، عالمان علم سیاست این کارکردها را ایفا کرده و می‌کنند.

احتمالاً آنان‌که از بی‌عمل شدن علم سیاست سخن می‌گویند، انتظار دارند که عالمان علم

سیاست و علوم سیاسی به مثابه سلبریتی‌ها عمل کرده و به نوعی کنشگری سیاسی کنند؛ بدین معنا که، در قامت اپوزیسیون، در خصوص مسائل جاری، همچون اعتراضات و اغتشاشات، مواضع سیاسی خاص و عملی اتخاذ کنند. در حالی که مهم‌ترین نقش اهالی علم سیاست، به معنای ایجابی، آگاهی بخشی و تحلیل درست مسائل به شکلی بی‌طرفانه و تجویزهایی برای حل آن مشکل در جهت تأمین منافع عمومی و ملی است؛ همچنین، نقد عالمانه، متصفانه و سازنده قدرت برای ارتقای حکمرانی و کارآمدی بیشتر از جمله وظایف عالمان علم سیاست است؛ که به نظرم این وظیفه و کارکرد مهم هم توسط این عالمان در جامعه ما صورت می‌گیرد. برخی بر این باورند که در 4 دهه

اخیر مطالبات ایرانیان چنین سیری را طی کرده است که از مطالبات

سیاسی شروع شد و سپس به مطالبات اقتصادی و فرهنگی رسید و اکنون با مطالبات سبک زندگی در جامعه مواجهیم. آیا با چنین دست‌بندی از مسائل ایرانیان موافق هستید؟

به نظرم، نقد هایی بر این جریان‌شناسی وارد است؛ مسائل ما نخست ماهیتی اقتصادی و اجتماعی داشت و بعد سیاسی شد.

دوم اینکه پدیدارگرایی‌ها است و نه پدیدارشناسانه؛ پدیدارگرایی یعنی تنها به ظاهر پدیده توجه می‌کند و اصل را بر ظاهر می‌گذارد و علق و ریشه مسائل و حوادث را مدنظر قرار نمی‌دهد.

اگر انتظار داریم که علم سیاست، مسأله‌محور و کاربردی باشد باید تقاضا برای تولید این نوع علم وجود داشته باشد. مهم‌ترین متقاضی هم دولت و بخش عمومی است. بنابراین، اگر علم سیاست بی‌عمل به نظر می‌رسد، بدین دلیل است که تقاضایی برای آن صورت نمی‌گیرد. حتی می‌توان گفت بین عرضه و

### از عالمان علم سیاست انتظار دارند همچون سلبریتی‌ها کنشگری سیاسی، کنند!

آنان که از «بی‌عمل شدن علم سیاست» سخن می‌گویند، انتظار دارند عالمان علم سیاست به مثابه سلبریتی‌ها عمل کرده و «کنشگری سیاسی» کنند؛ بدین معنا که در قامت اپوزیسیون در خصوص مسائل جاری همچون اعتراضات و اغتشاشات، مواضع سیاسی خاص و عملی اتخاذ کنند. در حالی که مهم‌ترین نقش اهالی علم سیاست، «آگاهی بخشی» و «تحلیل درست مسائل» به شکلی بی‌طرفانه و تجویزهایی برای حل آن مشکل در جهت تأمین منافع عمومی و ملی است.

### پیشن

و ارائه راه‌حل هیچ تأثیر و نقشی نداشته‌اند. مسائل ایران، مسائلی چندوجهی و چندسطحی است و همه آنها در چهارچوب علوم‌سیاسی قرار نمی‌گیرند. اما با این حال، در همه این مسائل رگه‌هایی از سیاسی بودن وجود دارد. بنابراین تبیین و تجویز ایجاد سیاسی این مسائل در زیرشاخه‌های مختلف علوم‌سیاسی قابل بحث است.

دوم اینکه در علوم‌سیاسی مجموعه

### گفت وگو

#### مهسارمضانی

خبرنگار

یکی از پیش شرط‌های هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در یک جامعه، رسیدن به درک درستی از «مسائل آن جامعه» است و مادامی که نتوانیم جریان‌شناسی و دسته‌بندی از این مسائل و مطالبات جامعه داشته باشیم، عملاً در حل آنها توفیق نخواهیم داشت. در عین حال، باید نسبت به این نکته هم حساس بود که در عرصه «مسأله‌یابی» به ورطه «مسأله‌بافی» نیفتیم!

از این رو، در گفت‌وگو با دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی، استاد علوم‌سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی سعی کرده‌ایم جریان‌شناسی از مسائل و مطالبات ایرانیان در ۴ دهه اخیر بدست دهیم و در این بین از سهم اهالی علوم‌سیاسی در تبیین این مسائل و تجویز راه‌حل‌هایی برای برون‌رفت از آنها پرسش کرده‌ایم تا پاسخی برای این ادعا بیابیم که آیا «علم سیاست» در جامعه ما بی‌کارکرد و «عالمان علوم‌سیاسی» ما در شناسایی مسائل جامعه، ناتوان شده‌اند؟ دهقانی فیروزآبادی، دکتری روابط بین‌الملل از دانشگاه بروکسل پلیتک دارد و از برگزیدگان جشنواره فارابی در سال ۱۹۱ است. او همچنین در سال ۹۵ در همین جشنواره به عنوان «نظریه‌پرداز برجسته» برگزیده شد. او ریاست دانشکده حقوق و علوم‌سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی را نیز در کارنامه علمی و اجرایی خود دارد.

جناب دکتر دهقانی فیروزآبادی، اصحاب علوم‌سیاسی ما چقدر توانسته‌اند تصویر جامعی از مسائل و مطالبات جامعه ایرانی ارائه کنند و برای حل آنها تجویزهای کاربردی داشته باشند؟

بی‌شک به عملکرد عالمان و سیاست‌پژوهان، که من هم یکی از آنها هستم، نقدهایی وارد است اما این بدان معنا نیست که عالمان و خود علم سیاست در مسأله‌شناسی



ما اگر انتظار

داریم که علم

سیاست، مسأله‌محور

و کاربردی

باشد باید

تقاضا برای

تولید این

نوع علم

وجود داشته

باشد.

مهمترین

متقاضی

هم دولت

و بخش

عمومی

است.

بنابراین، اگر

علم سیاست

بی‌عمل به نظر می‌رسد،

بدین دلیل

است که

تقاضایی

برای آن

صورت

نمی‌گیرد

## اندیشه



عمل بیشتر کنیم.

قصدای ما همواره «دانایی» و «فرزاندگی» را لازم و ملزوم هم می‌دانستند. مقصود آنان از «دانایی» همان دانش نظری است که از آن به مثابه «چشم» یاد می‌کردند.

اما «فرزاندگی» را بکارگیری دانش نظری یا حکمت عملی می‌دانستند و از آن به مثابه «پا» سخن می‌گفتند و بر این باور بودند که «پا» باید آنگونه که «چشم» می‌بیند، عمل کند. از منظر آنان، فرزانه کسی است که می‌داند چگونه «دانایی» را به عمل بگیرد. به این اعتبار است که گفته می‌شود مادامی که دانایی و فرزاندگی توأمان نشود، از فلسفه و حکمت هم در گذر از بحران‌ها کاری بر نمی‌آید.

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

### یکی از کارکردهای عالمان علم سیاست ایفای نقش «اتاق فکر» برای دولت است که دست‌کم در دولت آقای رئیسی تلاش بر این است که از این ظرفیت استفاده بیشتر، بهتر و بهینه‌شو؛ اگرچه بخش زیادی از آن هنوز هم بدون استفاده مانده است

سطح یا گسل از آنها فعال می‌شود و اغلب در آن برهه زمانی خاص تحت عنوان «مسأله جامعه» قلمداد می‌شود. به‌عنوان مثال در همین حوادث اخیر به دلیل فوت خانم مهسا امینی، مسأله حجاب و سبک زندگی یا در نگاه کلان‌تر «مسأله فرهنگ» برجسته شد، اما اگر حادثه دیگری رخ می‌داد، احتمالاً گسل دیگری فعال می‌شد. بنابراین مادامی که بنا بر بروز حادثه‌ای، گسلی فعال می‌شود، لزوماً نمی‌توان از آن گسل تحت عنوان مهم‌ترین مسأله جامعه ایرانی و مطالبه عمومی جامعه سخن گفت.

با این حال اگر بخواهیم از مسائل ایران در چهار دهه اخیر جریان‌شناسی داشته باشیم، معتقدم مهم‌ترین مسأله ما در دهه اول انقلاب «مسأله امنیت و بقای ملی» بود؛ به تعبیری، حفظ و تثبیت جمهوری اسلامی و حفظ تمامیت سرزمینی ایران یک مسأله عمده بود چراکه در این دوره، هم با جریان‌های تجزیه‌طلب و هم با جنگ تحمیلی مواجه بودیم، اما آن جنس از مسائل جامعه ایران که ما امروز از انباشت آن حرف می‌زنیم، از دوران بعد از جنگ تحمیلی آغاز می‌شود.

در دوره سازندگی مسأله کلان ما «توسعه اقتصادی و اجتماعی» است. در آن دوره این ابرمسأله یکسری مسائل بنیادین دیگر را هم ایجاد کرده بود و از آن جمله می‌توان به نابرابری اجتماعی و شکاف طبقاتی، محرومیت و حاشیه‌نشینی، تغییر و استحاله ارزش‌های انقلابی و توسعه نامتوازن و ناموزون اشاره کرد. در دوره اصلاحات «مسأله فرهنگ سیاسی، آزادی‌های سیاسی و حقوق اساسی و شهروندی» برجسته می‌شود و احتمالاً در این دوره چنین اندیشیده می‌شد که «توسعه اقتصادی» می‌تواند «توسعه اقتصادی» به بار آورد. به لحاظ تئوریک، در این زمینه همواره این مناقشه مطرح بوده است که توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی به بار می‌آورد یا بالعکس؟ برخی بر این باورند که چون توسعه اقتصادی در دوره سازندگی برجسته شد و این برجستگی ناموزون بود، در دوره بعد مسأله توسعه سیاسی بروز بیشتری پیدا کرد.

در نیمه اول دولت آقای احمدی‌نژاد مجدداً بازگشت به «مسائل اجتماعی و اقتصادی» را تجربه می‌کنیم و مسأله اصلی در این دوره «عدالت» در یک معنای همه‌جانبه است، چراکه واکنشی تکرار شده و در دوره‌های مختلف هر کدام از آنها نمود بیشتری یافته است. دلیل این انباشتگی مسائل به مسأله حکمرانی ما برمی‌گردد و منظور از «حکمرانی» مجموعه‌ای از سازکارها، فرایندها، نهادها، ابزارها و راه و روش‌هایی است که از طریق آن امور عمومی به منافع ملی تدبیر و مدیریت می‌شود.

اگر بخواهید از مسائل ایران در چهار دهه اخیر جریان‌شناسی به دست دهید آن را چطور تبیین می‌کنید؟ نخست و قبل از هر چیز باید مسائل را شناسایی کنیم چون بسیاری از تحلیل‌ها بیشتر معطوف به «مسأله‌سازی» است. این در حالی است که «مسأله» ویژگی‌های خودش را دارد و دوم اینکه ما باید مسائل را دسته‌بندی کرده و «نظام مسائل» را شکل دهیم.

چند ضلعی و چند لایه است و در جریان‌شناسی که از آن ارائه می‌کنیم، باید به این ویژگی توجه داشته باشیم. تغییر در یک سطح، لایه و دسته بر مسائل دیگر تأثیرگذار است و این مسائل همدیگر را تقویت و تشدید می‌کنند. واقعیت این است که مسائل در جامعه ما به صورت گسل‌های موازی یا متقاطع هستند که در شرایط و برهه‌های مختلف، بنا بر بروز بیرونی حوادث، یک لایه،

سوم اینکه تقلیل‌گرایانه است؛ بدین معنا که همه مطالبات را به بخشی از آن تقلیل می‌دهد، در حالی که مطالبات در جامعه ما چند بُعدی است و در هر دوره‌ای وجهی از آن برجسته می‌شود.

شما عمده‌ترین مسائل جامعه امروز ما را چه می‌دانید؟

قبل از احصای مهم‌ترین مسائل جامعه ایران، دو نکته را باید در مقدمه طرح کرد؛ نخست آنکه منظور از «مسأله» چیست؟ مسأله، مشکلی است که مورد شناسایی و توجه قرار گرفته است و برای آن راه‌حل اندیشیده می‌شود.

نکته دوم اینکه با چه معیارهایی می‌توان عمده‌ترین مسائل را احصا کرد؟ در این خصوص می‌توان ۵ معیار را تعریف و بر اساس آن مسائل عمده را شناسایی کرد؛ نخست میزان فراوانی و تکرار آن مسأله، دوم میزان و درجه حساسیت جامعه نسبت به آن، سوم شدت آسیب‌رسانی و هزینه‌آفرینی، چهارم گستره، وسعت و سطح تأثیرگذاری آن مسأله بر جامعه و افراد آن و پنجم میزان شدت تأثیرگذاری بر مسائل نوین است.

با توجه به این نکات، مهم‌ترین مسائل ما طی ۴ دهه گذشته را چنین می‌توان تعریف و دسته‌بندی کرد:

۱. مسائل اقتصادی؛ از جمله تورم، فساد و... ۲. مسائل فرهنگی؛ اعم از تغییر و تضعیف برخی ارزش‌های بومی، سنتی و ملی، شکاف بین ارزش‌های رسمی و غیررسمی و سنت و مدرنیته که بیش از ۲۰۰ سال است جامعه ایران با آن درگیر است و هنوز هم موضوعیت دارد و حل نشده است. ۳. مسائل اجتماعی؛ اعم از نابرابری‌ها و آسیب‌های اجتماعی، تحولات جمعیتی و... ۴. مسائل زیست‌محیطی؛ از جمله بحران آب و خشکسالی، تغییرات آب‌وهوایی و اقلیمی، فرسایش خاک و تخریب جنگل‌ها، خشک شدن دریاچه‌ها، تالاب‌ها و بیابان‌زایی. ۵. مسائل سیاسی و امنیتی؛ یکی از مهم‌ترین مسائل سیاسی و امنیتی ما تبدیل مسائل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی به مسائل سیاسی و امنیتی است.

اما فارغ از این دسته‌بندی که ارائه کردم، ام‌المسائل ما انباشتگی مسائل است. این مسائل در همه حوزه‌ها روی هم انباشته شده و ما نتوانسته‌ایم لایه لایه آنها را حل کنیم تا مسائل جدیدی رخ ندهد. این مسائل حداقل بعد از جنگ مرتباً تکرار شده و در دوره‌های مختلف هر کدام از آنها نمود بیشتری یافته است. دلیل این انباشتگی مسائل به مسأله حکمرانی ما برمی‌گردد و منظور از «حکمرانی» مجموعه‌ای از سازکارها، فرایندها، نهادها، ابزارها و راه و روش‌هایی است که از طریق آن امور عمومی به منافع ملی تدبیر و مدیریت می‌شود.

اگر بخواهید از مسائل ایران در چهار دهه اخیر جریان‌شناسی به دست دهید آن را چطور تبیین می‌کنید؟

نخست و قبل از هر چیز باید مسائل را شناسایی کنیم چون بسیاری از تحلیل‌ها بیشتر معطوف به «مسأله‌سازی» است. این در حالی است که «مسأله» ویژگی‌های خودش را دارد و دوم اینکه ما باید مسائل را دسته‌بندی کرده و «نظام مسائل» را شکل دهیم.

چند ضلعی و چند لایه است و در جریان‌شناسی که از آن ارائه می‌کنیم، باید به این ویژگی توجه داشته باشیم. تغییر در یک سطح، لایه و دسته بر مسائل دیگر تأثیرگذار است و این مسائل همدیگر را تقویت و تشدید می‌کنند. واقعیت این است که مسائل در جامعه ما به صورت گسل‌های موازی یا متقاطع هستند که در شرایط و برهه‌های مختلف، بنا بر بروز بیرونی حوادث، یک لایه،